# نقد مبانی تقصیر در ضمان

مبانیی که در شروع کلام‌شان از آن دفاع کردند، این بود که کلاً مال استاد را برداریم و مبانی ضمان، تقصیر باشد، به اضافه یک بحث فقهی عمومی که به مسأله تقصیر ضمیمه می‌شود؛ اگر جور دیگری عرض می‌کنم، بفرمایید. ما کجا می‌گوییم ضمان می‌آید؟ آن جایی که تقصیر باشد. ولی چون اموال و نفوس نزد شارع محترم است، طبق ضابطه عمومی احترام اموال و نفوس، جاهایی که مالی یا نفسی تلف می‌شود، همین جوری از کنارش در نمی‌شویم. بله، بعضی از موارد هدْر است، که آن به‌خاطر مورد خاص است و الا قاعده اولیه، احترام نفس و مال است و این باید تدارک شود. بنابراین گوییِ ضمان در باب اتلافات، تلفیقی می‌شود از تقصیر - که یعنی مقصر از باب تقصیر، ضامن است و باید بدهد - و اگر تقصیر نبود، چون او آن را ایجاد کرده، همین ایجاد به اضافه احترام مال و نفس کافی است تا او را ضامن قرار بدهیم.

**شاگرد۱**: چه چیزی را ایجاد کرده است؟

**استاد**: تلف را ایجاد کرده است. یعنی باعث شده که این مال از بین برود، ولو هیچ تقصیری هم نداشته است. جایی از بیان ایشان که محل صحبت من است را می‌خوانم، سؤال و بحثم را ذیل آن می‌گویم.

**«مالک ضمان با دم نظر قرار دادن انشائات طولی احکام»؛** این انشائات طولی را بیشتر برای بخش دومش مطرح کرده‌اند. تقصیر که روشن است، ولی برای جایی که تقصیر نیست چکار کنیم؟ نیازی هم به آن استاد به‌معنای یک عنصر ثالثی بین تقصیر و ایجاد خطر نباشد. من عرض کردم ببینیم این مسأله استاد و انتساب بوده یا نبوده؟ جلوتر هم زحمت کشیدند آدرس مقاله‌ای را ذیل صفحه استاد گذاشته بودند که حدود سال 1389، نوشته شده است. معلوم می‌شود 10-15 سال پیش این جور مطالب و مقالاتی منتشر شده است که به‌عنوان یک عنصری در کنار تقصیر است؛ مبانی قابلیت و امکان انتساب. اگر در همین صفحه استاد در فدکیه نگاه کنید، اسم مقاله «نظریه قابلیت انتساب در حقوق مسئولیت مدنی؛ مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق فرانسه» است. در این مقاله واژه انتساب را به کار برده‌اند. آنچه که من خدمت شما می‌گفتم، «استاد» بود. فعلاً که در نظر جلیل، این‌ها با هم یکی هستند و فرقی نمی‌کنند. اما چه بسا وقتی موارد دقیق شد، با این واژه‌ها کار داریم؛ یک جایی بگوییم «انتساب» است و یک جایی بگوییم «استاد» است. فعلاً این خوب است. بنابراین این بحث مطرح بوده و برای آن مقاله هم نوشته شده. شما هم هرچه بیشتر پیدا کردید، در این صفحه استاد در فدکیه بگذارید تا همه استفاده کنیم و حرف‌ها روی حرف‌ها جمع بشود.

آنچه که من از اول مباحثه به دنبالش هستم، استفاده کردن از قرار ضمان، به‌عنوان یک عنصر فقهی مهم و بسط آن در بحث‌های هوش مصنوعی و ضمان‌هایی است که بعداً می‌خواهیم تحلیل کنیم. قرار ضمان یک تحلیل دقیقی نیاز دارد؛ اول باید آن را تصور کنیم. اول، بحث استاد بود که در یکی-دو جلسه مطرح شد. قرار ضمان، اصل کاری است که من می‌خواهم از قرار ضمان به مسأله ضمانات از ناحیه عبید پُل بزنم که به گمانم از نظر تحلیل علمی و نگاه علمی مهم است؛ احکامی که در فقه برای عبد هست، منوطات دقیقی دارد. یکی از سنگین‌ترین مباحث فقهی، احکام عبید است که از نظر حقوقی، ظرافت‌کاری‌ها و مطالب سنگینی در آن هست و سعی می‌کنیم از اینجا به آنجا برویم. این چیزی است که در ذهن من هست. این را عرض کنم تا جلو برویم.

بازبینی #2
ایجاد شده 21 اوت 2025 14:02:14 توسط ... .
به روزرسانی شده 21 اوت 2025 14:32:05 توسط ... .